

لوح مبارک درباره ایران

حضرت بهاء الله

اصلى فارسى



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 4

باب شانزدهم - لوح مبارک درباره ایران

در لوح طیب فرموده اند: " اینکه درباره انقلاب و اختلاف ایران مذکور شده بود هذا ما وعدنا به فى الالواح ای طیب قبل از ارسال بدیع حجت الهی بر اهل آن دیار کامل و بالغ نه چه که رئیس از تفصیل بتمامه مطلع نبوده و نفسی هم جهره کلمه حقی بر او القاء نکرده و لکن بعد از ظهور بدیع بر قدرت منیعه الهیه و ابلاغ کلمه ربانیه و کتاب الهی حجت و برهان کامل و بالغ شده چون بنعمت معنویه اقبال نمودند از نعماء ظاهره هم ممنوع گشتند حتم بود این بلا من لدی الله مالک الاسماء حال باید تفکر نمود که سبب چه بوده که رشحات بحر غضب الهی رئیس را مهلت داده و سایرین را اخذ نموده عند ربک علم ما کان و یکون انه هو العلیم الخبیر اگر ناس در امور وارده و این بلیه کبری تفکر مینمودند کل را بشاطئ عز احدیه متوجه مشاهده مینمودی و لکن قضی ما اراد انه هو المراد" انتهى

و نیز درباره ایران از الواح مبارکه جمال قدم جل شأنه الاعظم این لوح مبارک است قوله تعالى: هو المنادی فى سجنه العظیم یا ایها الشارب رحیق من ید عطائی و یا ایها الطائر فى هوائى و یا ایها المحترق بجزنى و مصیباتى و یا ایها المشتعل بنار حبی اسمع ندائی عن شطر سجنى انا من افق البلاء ندعوك و نذکرک انت تعلم و الله یعلم ان البهاء ما نطق عن الهوى امر الكل بالبر و التقوى و نهامهم عن البغى و الفحشاء و لکن القوم نبذوا نصائحى و مواعظى و عملوا ما ناهى به الاقلام و الالواح يعملون ما یأمرهم به اهوائهم الا انهم فى غفلة و ضلال لعمرك ان تعد بلایائى لا تحصیها تشهد بذلک کتب الله و عن ورائها ام الکتاب قد سمعنا حنینک فى حزن مولیک و عرفنا احتراقک فیما ورد علیه من الاعداء نسل الله تعالى ان یجزیک جزاء کاملا انه هو العزیز الوهاب انا علمناهم فى



ORIGINAL

کتبنا و الواحنا ما یرفعهم بین العباد و هم ارتکبوا ما جرت به الدموع من عیون الابرار و لکن قلبی الاعلی لا یلتفت الیهم و لا الی الدنیا و ما خلق فیها یشهد بذلك صریره و ما نزل منه فی العشی و الاشرار

سبحان الله عنایت سبب شقاوت شد و شفقت علت بغضاء در سنین متوالیات نصیحت نمودیم و بما ینفعهم و یضرهم آگاهی دادیم و لکن نصیح الله اثری ننمود و بر صخره صما اوامر و نواهی الهی نفعی نبخشید در لیالی و ایام بمفتریات مشغولند نظر بعدم استحقاق عباد این امور واقع شده و میشود سبحان الله نیر عدل باید از افق ایران اشراق نماید حال از افق عشق آباد مشرق و لائخ صد هزار حیف که اهل ایران از اثمار سدره مبارکه که در آن ظاهر شد محروم و ممنوعند لعمر الله هذا من جزاء اعمالهم فی ایامه انه هو الفرد الواحد العزیز العلام از حق میطلبیم ایران را مؤید فرماید بر اجراء عدل و انصاف ان ربک یحب الوفاء فی کل الاحوال این ایام باید در حفظ و صیانت آن از مظلوم مدد طلب نمایند و رأی اخذ کنند و لکن غفلت و نادانی ایشانرا از ما ینفعهم منع نموده اینست جزاء اعمال در یوم مآل هر یوم اوامر و احکام خارجه نفوذ مینماید و باین نفوذ نفوذ اهل ایران متوقف از حق بطلب نائمن را آگاه فرماید و از خواب بر انگیزاند شاید تمسک نمایند بآنچه سبب نجاح و فلاح است و لکن هیات زود است دو اصبع متصل شود اذا یرون انفسهم فی خسران مبین كذلك ذکرنا لک ما کان مستورا عن الابصار ان ربک هو العزیز البصار

و در لوح علی میفرمایند قوله تعالی : “ اینکه در تنگی و قحطی ایران مرقوم فرموده بودید این از وعد الهی بوده در الواح چنانچه در همان سنه که لوح منیع بید بدیع ارسال شد در الواح ذکر شدائد و بلایا و قحط آن دیار تصریحا نازل شده و وعید الهی کل را احاطه نموده چنانچه آیه نازل که مضمون آن این است اگر نظر بملاحظه احباب نبود کل هلاک میشدند ای علی هنوز اثر دم بدیع از ارض محو نشده و تو میدانی که آن مظلوم بگابی فرستاده شد که ابد از برای نفسی در آن عذری باقی نمانده و اصل امر بکمال تصریح اظهار شده مع ذلک ورد علیه ما ورد” انتهى